# فهرست مطالب

سخن پژوهشگاه 7

پیشگفتار مؤلف 11

مقدمه 13

فصل اول: تاریخ رشتۀ باستان‌شناسی در ایران و برنامه‌های آموزشی آن

زمینه‌های تاریخی و فرهنگی شکل‌گیری علم و رشتۀ باستان‌شناسی در ایران 19

روندِ شکل‌گیری رشتۀ باستان‌شناسی در دانشگاه‌های ایران 32

تأسیس نخستین گروه باستان‌شناسی در دانشگاهِ تهران 32

استادان باستان‌شناسی در سال‌های آغازین تأسیس گروه باستان‌شناسی دانشگاهِ تهران 36

دانشجویان و برنامه‌های درسی تا پیش از ایجاد گروه‌های آموزشی 42

عزّت‌الله نگهبان و تحولات در آموزش باستان‌شناسی 48

انقلاب فرهنگی و تغییر و بازنگری در سرفصل دروس رشتۀ باستان‌شناسی 57

مقطع کارشناسی باستان‌شناسی و برنامۀ آموزشی آن 57

مقطع کارشناسی ارشد رشتۀ باستان‌شناسی و برنامه‌های آموزشی آن 62

مقطع دکتری باستان‌شناسی و برنامه‌های آموزشی آن 66

مقطع کاردانی باستان‌شناسی 70

روند توسعۀ رشتۀ باستان‌شناسی در دانشگاه‌های ایران بعد از انقلاب اسلامی 73

بررسی علل رشد دانشجویان باستان‌شناسی در بستر سیاست‌های اجرایی دولت 89

فصل دوم: بررسی مهارت در برنامه‌‌های آموزشی رشتۀ باستان‌شناسی

نگاهی اجمالی بر «جامعه و باستان‌شناسی» در ایران 96

باستان‌شناسی و علوم میان‌رشته‌ای 107

مهارت در باستان‌شناسی و نظام آموزشی آن 112

رابطۀ علم و مهارت در برنامه‌های آموزشی رشتۀ باستان‌شناسی (از آغاز تاکنون) 114

نگاهی بر ماهیت برنامۀ درسی و مقایسۀ آن با برنامۀ درسی رشتۀ باستان‌شناسی 119

نگاهی انتقادی بر دروس مقطع کارشناسی باستان‌شناسی از منظر شاخص‌های برنامۀ درسی 123

نگاهی انتقادی بر دروس مقطع کارشناسی ارشدِ باستان‌شناسی از منظر شاخص‌های برنامۀ درسی 136

نگاهی انتقادی بر دروس مقطع دکتری باستان‌شناسی از منظر شاخص‌های برنامۀ درسی 152

بررسی ارتباط علم و مهارت در برنامه‌های درسی رشتۀ باستان‌شناسی براساس رویکرد برنامه‌ریزی درسی مبتنی بر شایستگی 155

فصل سوم: بررسی وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان رشتۀ باستان‌شناسی

نگاهی بر دلایل عدم اشتغال دانش‌آموختگان در ایران 168

نقش عوامل مؤثر بر بیکاری دانش‌موختگان علوم‌انسانی بر دانش‌آموختگان باستان‌شناسی 176

اهداف شغلی مطرح شده در سرفصل‌های دروس مقاطع گوناگون باستان‌شناسی 190

وضعیت شغلی و بازارکار رشتۀ باستان‌شناسی در خارج از کشور و مقایسۀ آن‌ها با داخلِ کشور 192

فصل چهارم: راهکارهای افزایش مهارت و بهبود اشتغال دانش‌آموختگان رشتۀ باستان‌شناسی

بررسی راهکارهایی برای بهبود و ارتقای سطح مهارت‌های دانشجویان در برنامه‌های آموزشی 199

بررسی راهکارهای بهبود و تسهیل اشتغال دانش‌آموختگان رشتۀ باستان‌شناسی 209

سخنِ آخر 227

کتاب‌نامه 235

# فهرست جدول‌ها و نمودارها

تصویر 1. تصویرِ نامۀ مظفرالدین شاه (کریم‌لو 1378: 282) 28

جدول 1. برنامۀ سالیانۀ تدریس رشتۀ «آثار باستان» 1314ـ 1315 (سالنامۀ دانشسرای عالی، 1315) 34

جدول 2. فهرست دروس رشتۀ باستان‌شناسی از سال 1325 تا 1329 (نگهبان، 1376: 72) 43

جدول 3. دروس و استادان جدید در سال تحصیلی 1338 50

جدول 4. دروس اختصاصی و عمومی در فاصلۀ سال‌های 1340ـ1343 54

جدول 5. دروس رشتۀ کارشناسی باستان‌شناسی طبق آخرین برنامۀ مصوّب در سال 1365 60

جدول 6. دروس رشتۀ کارشناسی ارشد باستان‌شناسی طبق آخرین برنامۀ مصوّب در سال 1365 64

جدول 7. دروس دکتری رشتۀ باستان‌شناسی طبق آخرین برنامۀ مصوّب در سال 1374 69

جدول 8. دروس کاردانی رشتۀ باستان‌شناسی طبق آخرین برنامۀ مصوّب در سال 1374 72

نمودار 1. رشد مقطع کارشناسی باستان‌شناسی در دانشگاه‌های ایران بعد از انقلاب اسلامی (از سال تحصیلی 1367ـ 1368 تا 1395ـ1396) 78

نمودار 2. رشد مقطع کارشناسی ارشد باستان‌شناسی در دانشگاه‌های ایران بعد از انقلاب اسلامی (از سال تحصیلی 1367ـ 1368 تا 1395ـ1396) 80

نمودار 3. رشد مقطع کاردانی باستان‌شناسی در دانشگاه‌های ایران بعد از انقلاب اسلامی (از سال تحصیلی 1369ـ1370 تا 1395ـ1396) 82

نمودار 4. رشد مقطع دکتری باستان‌شناسی در دانشگاه‌های ایران بعد از انقلاب اسلامی (از سال تحصیلی 1378ـ 1379 تا 1395ـ1396) 84

نمودار 5. مقایسۀ تعداد دانشجویان تمام مقاطع در واحدهای مختلفِ دانشگاهی 86

نمودار 6. رشد دانشجویان در تمام مقاطع تحصیلی 88

جدول 9. بررسی دروس تکراری کارشناسی ارشد از دورۀ کارشناسی رشتۀ باستان‌شناسی 137

# سخن پژوهشگاه

کتاب حاضر یکی از آثار برگرفته از طرح جامع اعتلای علوم‌انسانی معطوف به پیشرفت کشور است که اکنون به محضر ارباب معرفت تقدیم می‌گردد.

طرح جامع اعتلا مجموعه پروژه‌هایی به هم‌پیوسته و مسئله‎‎‌محور است که بر مبنای منشور پژوهشگاه در سال‌های اخیر مبنی بر درپیش‌گرفتن رهیافت بومی و کاربردی‌سازی علوم‌انسانی شکل گرفته و بر پایۀ خردجمعی و تعاطی افکار خبرگان، نخست طی یک سال و نیم، از گذرگاه انجام فاز مطالعاتی و تدوین RFP عبور کرده سپس وارد اجرای طرح‌ها شده است.

این طرح کلان برپایۀ این منطق شکل گرفت که برای بومی‌سازی و کاربردی‌سازی علوم‌انسانی لازم است سه مقولۀ مهم به‌صورت متمایز کاویده شوند و نهایتاً از همۀ طرح‌ها تلفیق صورت گیرد.

1. مبانی و ریشه‌های علوم‌انسانی جدید ارزیابی و نقد شوند. (کارگروه مبانی)

2. قلمرو و فرایند شکل‌گیری و سیر تاریخ ورود و استقرار این رشته‌ها در ایران نظر افکنده شود و نقد گردد. (کارگروه بازشناسی انتقادی و تاریخ)

3. شیوه‌ها و مظاهر کاربست آن‌ها و تعامل این رشته‌ها با جامعۀ ایران در چرخۀ ارزیابی و تحلیل قرار گیرد**.** (کارگروه کاربست)

از گذرگاه این کندوکاوها، اتصال یا عدم پیوند آن با گنجینه‌های میراثی و تناسب یا تغایر احتمالی آن‌ها نسبت به نیازهای جامعۀ امروز روشن می‌شود. از سوی دیگر، این طرح‌ها با تکیه بر میراث‌های فرهنگ بومی و دینی و با پشتوانۀ بهره‌گیری از مطالعات جهانی و ملّی و به‌صورت شبکۀ برنامۀ محصول‎‎‌گرا و هم‌افزایانه شکل‌ یافته‌اند و با رویکرد بین‌رشته‎‎‌ای و با مشارکت محققان توانای پژوهشگاه و صاحب‌نظران سرآمد سطح ملّی تدوین شده‌اند.

امید می‌رود با انجام این طرح‌ها یکی از آرمان‌های انقلاب اسلامی مبنی بر استقلال فکریو رهنمودهای حضرت امام خمینی و مقام معظم رهبری در این باره پی‌جویی شود. طرح‌های اعتلا برای تحقق هدف یادشده با رویکرد ایجاد پیوند میان نظریه و عمل، می‌کوشد **ت**ا اثربخشی و سودمندی علوم انسانی را معطوف به پیشرفت کشور مبنی بر مؤلفه‌های بومی‌گرایی متعیّن نماید.

پژوهشگاه علوم‌انسانی و مطالعات فرهنگی در مسیر تحقق بخش‌هایی از اسناد بالادستی و پی‌جویی مأموریت ویژۀ هیئت‌امنا و با مساعدت سازمان برنامه و بودجه، طرح اعتلا را برای استقرار عینی شبکۀ نخبگانی علوم انسانی کشور طراحی کرده و به اجرا درآورده است.

پژوهشگاه به فضل الهی در نظر دارد به‌تدریج پس از انتشار مجلدات حاضر در این مرحله و هم‌زمان با متنوع‌سازی نشر محصولات طرح‌ها (از طریق گزارش‌های راهبردی، توصیه‌های سیاسی، گزارش‌های علمی ملی، بسته‌های خدمات تخصصی و مشاوره‌ای، جستارهای علمی و فنی، مقاله‌های علمی ـ پژوهشی، علمی ـ تخصصی، هم‌اندیشی‌های نخبگانی و سخنرانی‌های علمی و...) مابقی نتایج پژوهش‌ها را نیز به‌صورت کتاب آمادۀ نشر سازد.

اصولاً یکی از شاخص‌های مهم که می‌تواند نشانۀ توفیق یک نهاد پژوهشی، به‌ویژه در قلمرو علوم‌انسانی باشد، اجرای طرح‌های شاخص، هم‌گرا، مسئله‌مند و ناظر به چالش‌های اجتماعی و اثرگذار در عرصۀ سیاست‌گذاری‌هاست که بتواند در شرایط کنونی در حقیقت مؤسسۀ پژوهشی را به جرگۀ نسل چهارم نهادهای علمی وارد سازد. تعریف و اجرای طرح اعتلا به همین منظور در مسیر تحقق قسمتی از چشم‌انداز و مأموریت روشن پژوهشگاه، مندرج در برنامۀ توسعۀ راهبردی آن، به‌شمار می‌آید که برای نخستین بار در تاریخ پژوهشگاه برنامۀ توسعه تعریف و اجرا شده است و بخشی از دستاوردهای آن کتاب‌های مجموعه طرح‌های اعتلای علوم‌انسانی است.

در فرایند تعریف و اجرای طرح جامع اعتلا، به لطف الهی، فرصت ارتقای کیفیت علمی طرح‌ها و توانمندسازی و تقویت زیرساخت‌ها در پژوهشگاه دوچندان شده است، چنان‌که طی این سال‌ها و به موازات اجرای این طرح کلان، مشارکت بالندۀ تعداد کثیری از اعضای محترم هیئت‌علمی در اجرای طرح مذکور و رسیدن تولید سرانۀ علم به رشد بیش از **دو برابری** و رشد بیش از پنج برابری نقدِ متون دانشگاهی و رشد فزایندۀ تولید و نشر مقالات و جستارهای انتقادی و انتشار فصل‌نامه‌های با کیفیت پژوهشی، برنده‌شدن سه سال پیاپی در جشنوارۀ نقد سال و برگزیده‌شدنمکرر در جشنوارۀ بین‌المللی فارابی و ده‌ها جشنوارۀ ملی دیگر، صعود بیش از چهارصد پله‌ای پرتال در رده‌بندی جهانی الکسا، تأسیس قطب علمی، ارائۀ نظریۀ علوم‌انسانی در سطح ملی و رشد چشمگیرفعالیت‌های حوزۀ ترویجی‌سازی علم و تحقق شبکۀ نخبگانی سه‌هزار نفره متشکل از استادان صاحب‌نظر از سراسر کشور، شواهدی از این ظرفیت‌سازی و ارتقای توانمندی به‌شمار می‌آید.

بدیهی است با همۀ مزیت‌های این مجموعه طرح‌ها و آثار، بخش‌هایی از این کتاب‌ها خالی از خلل و عاری از کاستی نباشد، یقیناً اهل نظر با نقد ناصحانه و راهنمایی‌های راهگشای ایجابی خود پژوهشگاه را برای قوام و مایه‌وری بیشتر این آثار در چاپ‌های بعدی مدد خواهند رساند.

در پایان، ضمن سپاسگزاری به درگاه حق‌تعالی و ابراز مسرّت از پی‌جویی دغدغۀ استاد زنده‌یاد دکتر صادق آیینه‌وند (ره) در منشور ایشان مبنی بر «اتصال به ریشۀ انطباق با زمان» یادآور می‌شود این مجموعه مرهون حمایت وزیران محترم جناب دکتر فرجی‌دانا، دکتر فرهادی و دکتر غلامی و اعضای محترم هیئت محترم امنا و سازمان برنامه و بودجه و نمایندگان محترم ذی‌ربط مجلس شورای اسلامی از یک‌سو و اهتمام همۀ همکاران طرح جامع اعتلا، شامل اعضای محترم شورای پژوهشی پژوهشگاه، کمیتۀ علمی طرح اعتلا، جانشین رئیس و رئیس دبیرخانۀ طرح اعتلا، مجریان محترم طرح‌ها، مدیران کارگروه‌‌ها، شورای مشاوران، اعضای محترم کارگروه‌های تخصصی و کلیۀ محققان و ناظران علمی و داوران طرح‌های پژوهشی وکارشناسان از سوی دیگر است. لذا سزاوار به‌نظر می‌رسد سپاسگزار همۀ آنان باشیم؛ به‌ویژه جناب آقای دکتر سیدمحمدرضا امیری طهرانی‌زاده‌، سرکار خانم دکتر طاهره کمالی‌زاده، جناب آقای دکتر یحیی فوزی، جناب آقای دکتر علیرضا ملایی توانی، جناب آقای دکتر مهدی معین‌زاده، جناب آقای دکتر عبدالرحمن حسنی‌فر، جناب آقای دکتر حمید تنکابنی، جناب آقای مهندس فرامرز حق‌شناس، جناب آقای دکتر فرهاد زیویار، جناب آقای دکتر عباس خلجی، جناب آقای دکتر عبدالله قنبرلو، جناب آقای دکتر سیدمحمدرحیم ربانی‌زاده، جناب آقای دکتر سیدسجاد علم‌الهدی، جناب آقای دکتر سیدمحسن علوی‌پور، جناب آقای محمدعلی مینایی، جناب آقای بهرنگ ذوالفقاری و تمامی اعضای محترم شورای دبیرخانه و مشاوران و کارشناسان محترم طرح. همچنین باید از جناب آقای دکتر یدالله رفیعی مدیر محترم نشر و همۀ همکاران گرامی ایشان در انتشارات پژوهشگاه تشکر ‌کنم. اگرچه بزرگان و مفاخر و اعضای معزز هیئت‌علمی فراوان دیگری در بخش‌های گوناگون و در مراحل مختلف مددرسان بودند که ذکر نام این شخصیت‌ها و محققان، که بیش از صد تن را شامل می‌شود، متأسفانه در این مجال اندک میسر نیست.

امید می‌رود به لطف خداوند این حرکت فرخندۀ پژوهشی و علمی بتواند ضمن تقویت اثربخشی علوم‌انسانی و پیوند پژوهش و اجرا در کشور، راهگشای بهره‌برداری بیشتر از ظرفیت‌های علوم‌انسانی به‌شمار آید و انتشار مجلدات بعدی گزارش‌های طرح اعتلا گامی در مسیر پیشرفت و بالندگی ایران اسلامی باشد.

حسینعلی قبادی

رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

و

رئیس طرح اعتلای علوم‌انسانی معطوف به پیشرفت کشور

# پیشگفتار مؤلف

کتابِ حاضر، محصول طرحی پژوهشی، در غالب طرح جامع اِعتلای علوم‌انسانی معطوف به پیشرفت کشور و کاربردی‌سازی علوم‌انسانی است، که پژوهشگاه علوم‌انسانی و مطالعات فرهنگی متولی آن است. این طرح جامع در‌ صدد است: «علوم‌انسانی را از پراکنده‌گویی‌های بی‌روش و بدون مسئله‌شناسی رها سازد». این امر همان کاربردی‌سازی دانش انسانی در مختصات ملی است، که قرار است علوم‌انسانیِ کشور را به‌سمتی سوق دهد، که نسبت آن با صنعت و جامعه، مُسَجَل و مشخص باشد. از این منظر تعبیر راه‌گشایی و گِره‌گشایی از علوم‌انسانی را می‌توان به طرح اِعتلای علوم‌انسانی اِعطاء کرد. رشتۀ باستان‌شناسی نیز از مُعضل علوم‌انسانی در کشور مستثنا نیست؛ عدم تعریف کاربردِ صحیح از آن، مشکلی است که گریبان‌گیر دانش‌آموختگان این رشته در زمینۀ آموزش و مهارت و اشتغال آن‌ها شده است. لذا بررسی نسبت میان مهارت و تحصیل و اشتغال دانشجویان این رشته به‌مثابهِ ضرورت، مدّ‌نظر قرار گرفت.

از جناب آقای دکتر علیرضا ملایی توانی، رئیس محترم کارگروه تاریخ تحول علوم‌انسانی، که پیشنهاد انجام این کار را به نگارنده دادند، بسیار سپاسگزارم. همچنین مراتب قدردانی خود را از استاد ارجمند جناب آقای دکتر حکمت‌الله ملاصالحی، که در این راه هرگز راهنمایی‌های خالصانۀ خود را دریغ نکردند، به جا می‌آورم. از همکاری جناب آقای دکتر شاهین آریامنش نیز بسیار سپاسگزارم.

بدیهی است که این اثر، با توجه به خلأهای مطالعاتی دربارۀ موضوع و در دسترس نبودن بسیاری از پیشکسوتان و همچنین عدم همکاری بسیاری از دوستان و همکاران متخصص در پاسخ‌گویی به پرسش‌نامه و در نهایت بضاعت علمی اندک نگارنده، با کاستی‌ها و نارسایی‌های بسیار همراه است. و می‌توان آن‌ را تنها شروعی بر پژوهش‌های آینده دانست و امید است به کمک نقد‌های سازندۀ صاحب‌نظران، این کاستی‌ها مرتفع گردند.

**مهسا ویسی**

زمستان 1399

# مقدمه

یکی از مشکلات حال حاضر جامعۀ ایران در ارتباط با آموزشِ عالی، مسئلۀ کاربردِ علوم‌انسانی در جامعه و اشتغال است، که در سال‌های اخیر به اَشکال گوناگون، این موضوع مطرح و مورد بحث قرار گرفته است. دراین‌میان آموزش عالی، حلقۀ اتصال میان دانش‌آموزی و مهارت و در نهایت اشتغال است. بنابراین بررسی اساسِ برنامۀ درسی در هر رشته‌ای می‌تواند در این زمینه بسیار مهم تلقی شود. با وجود اهمیت‌ علوم‌انسانی و نقش ویژۀ این علوم در سیاست‌گذاری‌ها و تعیین خطِّ‌مشی‌های اصلی جامعه، در کشور ایران رشته‌های علوم‌انسانی مورد بی‌توجهی قرار گرفته‌اند. به‌ نظر می‌رسد کاربرد روش‌های آموزشی نامناسب و مسئله‌ محور نبودن این علوم و در بسیاری از موارد غیربومی و وارداتی‌بودن آن‌ها، اساسی‌ترین مشکلات گریبان‌گیر این حوزه از علوم باشد، که منجر به کاهش شاخص‌های کیفی در آموزش رشته‌های علوم‌انسانی شده است. باستان‌شناسی نیز یکی از شاخه‌های علوم انسانی‌است که بیش از هشتاد سال از عمر آموزش دانشگاهی آن در ایران می‌گذرد. این دانش، دانشی چندوجهی[[1]](#footnote-1) است که از ابعاد و وجوه گوناگون قابل بررسی است. از میان وجوه مختلفی که این دانش دارد، بُعد آکادمیک آن به‌مثابهِ یک رشتۀ دانشگاهی در اینجا موردِ‌نظر بوده؛ و معنای ماهیتی و معرفت‌شناختی آن به‌هیچ‌وجه موردِ‌نظر این مطالعه نیست، که آنْ خود مقوله‌ای جدا و بسیار مهمِ دیگری است. اینکه هر دانشی، در چه بستر فرهنگی‌ای زاده می‌شود و در چه بستر فرهنگی رشد می‌کند، تأثیر به‌سزایی در روندِ پیشرفت آن دارد. نکتۀ مهمی که پیش از بررسی چگونگی شکل‌گیری رشتۀ باستان‌شناسی در دانشگاه‌های ایران قابل بررسی است، زمینه‌های تاریخی و فرهنگی حاکم بر جامعه ‌است، که این رشته در آن شکل می‌گیرد. باستان‌شناسی در ایران، زادۀ ورود شرق‌شناسان غربی بود که با علم به‌‌ارزش دارایی‌های باستانی و غفلت طبقۀ حاکم در ایران، وارد این سرزمین شدند و بَعدها در دوران پهلوی به‌دنبال باستان‌گرایی‌های رضا شاه به‌صورت رشته‌ای دانشگاهی درآمد. روندِ تدوین برنامه‌های آموزشیِ رشتۀ باستان‌شناسی و گرایش‌های مختلف آن، از ابتدای تأسیس تاکنون موضوع درخور توجهی است. زیرا با بحث مهارت برای دانش‌آموختگان این رشته، ارتباطی مستقیم دارد. نکتۀ اساسی در رابطه با بررسی مسئلۀ مهارت در هر علمی آن است، که ابتدا بایستی ماهیت آن تعریف شود تا بتوان متناسب با آن مهارتی را تعریف کرد. ماهیت یک علم به معنای بررسی همه‌جانبۀ تعریف آن است. جایگاه و کاربرد هر علمی در یک جامعه، نکتۀ اساسی است که مهارت نیز با آن رابطۀ تنگاتنگ دارد. مادامی‌که تعریف صحیحی از جنبه‌های کاربردی یک علم نشود و سازوکار آن در بطن یک جامعه مشخص نباشد؛ سخن از آموزش و مهارت و اشتغال در آن گزاف و بیهوده است. نمی‌توان تعریف مشخصی از آن علم نداشت و در‌عینِ‌حال برای آن کاربردی قائل شد.

آشکار است که برنامه‌های آموزشی، در‌این‌میان نقش اساسی را در انتقال این مهارت به دانشجویان هر علمی بازی می‌کنند. بنابراین بررسی میزان هم‌پوشانی محتوای آموزشی با اهداف و کاربرد آن رشته، نکتۀ بسیار ضروری و مهمی است، و بایستی در یک راستا باشند. ضعف در برنامه‌های آموزشی به‌قطعیت موجب ضعف در پرورش نیروی کار مرتبط با هر حوزه خواهد شد. اهمیت این موضوع به‌قدری است که نادیده‌گرفتن آن می‌تواند صدمات جبران‌ناپذیری بر بدنۀ یک جامعه وارد آورد و محتوا و ماهیت یک علم را دستخوش آسیب کند. بنابراین در مرحلۀ برنامه‌ریزی دروسِ آموزشی، اساس محتوا بایستی طوری تنظیم شود، که علاوه‌بر حفظ همه‌جانبۀ ماهیت آن علم، ارتباط مستقیم با مهارت‌های لازم برای کاربرد آن را داشته باشد. در‌عینِ‌حال برخی از مهارت‌های لازم در هر زمینه‌ای به بافت بومی آن جامعه نیز مرتبط است. به این معنا که هر علم یک شالودۀ ثابت و مشترکِ عام دارد، که در‌عینِ‌حال بایستی با مؤلفه‌های بومی هر جامعه‌ای نیز همخوانی داشته باشد. باستان‌شناسی یکی از علوم وارداتی به ایران است؛ علمی که سالیان دراز، پیش از آنکه در ایران حتی بدان اندیشه شود، در بطن جوامع اروپایی و آمریکایی نفوذ کرده و وارد لایه‌های ذهنی جامعه شده بود و به‌اقتضای نیازهای این جوامع راهِ تکامل خود را پیموده و با گذراندن پله‌هایِ نظریِ گوناگون قوام یافته بود؛ و سپس به‌صورت یک علم کاملاً غیربومی به ایران وارد شد.

در‌عینِ‌حال هدف غایی از آموزش در هر رشته‌ای، اشتغال و ورود به بازارکار است. در کشورهای پیشرفته اهداف شغلی از تربیت افراد در هر یک از مقاطع تحصیلی به تفکیک مشخص است و هرکس بر مبنای انتظار شغلی که دارد، تحصیل خود را ادامه می‌دهد. تاکنون از وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان به تفکیک رشتۀ تحصیلی، اطلاعات جامعی در دست نیست. اما براساس بررسی وضعیت سازوکار باستان‌شناسی ایران، که ارتباط مستقیم با دانشجویان و دانش‌آموختگان این رشته دارد، و همچنین بحث در مورد مشاغل تعریف شده برای دانش‌آموختگان این رشته در جهان و مقایسۀ برداشت عموم از کاربرد این رشته در ایران با اروپا (براساس نظرسنجی‌هایی که برخی محققان در این زمینه انجام داده‌اند)، می‌توان تا حدودی به شرایط بازارکار این رشته پِی برد. برای عبور از این وضعیت می‌توان راهکارهایی را ارائه داد؛ اما نمی‌بایست از نظر دور داشت که راه‌حل‌ها همواره شرایط مطلوب را در نظر می‌گیرند و برای بهره‌برداری از هر راه‌حلی نیاز به شرایط بسیار دیگری نیز است، که اگر هر یک از آن عوامل دخیل نباشند، توفیقی حاصل نخواهد شد. رشتۀ باستان‌شناسی به‌لحاظ معنایی و کاربردی تا حدود بسیار زیادی از سایر رشته‌های علوم‌انسانی متفاوت است و شرایط خاص خود را دارد؛ اگرچه تمامی رشته‌های علوم‌انسانی در کشور ایران دچار مهجوریت هستند؛ اما بنا به برداشتی که جامعه از آن‌ها دارد و میزان حمایتی که دولت از آن‌ها می‌کند، شرایط متفاوتی نسبت به یکدیگر دارند. بسیاری از مشکلات حاکم بر جامعۀ ایران موجب بر شمردن و اَهم امور قرار دادن در سرمایه‌گذاری‌های معنوی و مادی بر برخی از رشته‌ها شده است، در نتیجه برخی از آن‌ها بیش از حد رشد کرده و برخی دیگر بیش از حد مهجور مانده‌اند، بنابراین نمی‌توان تنها به ارائۀ راه‌حل‌‌‌ اکتفا کرد. نباید از نظر دور داشت، که شرایط رشتۀ باستان‌شناسی به دلیل آنکه یک دانش وارداتی است، اندکی متفاوت است. البته بسیاری از دانش‌ها در ایران وارداتی هستند ولی تفاوت در آنجاست، که دیگر دانش‌ها توانسته‌اند وارد بطن جامعه شوند و جای خود را بیابند؛ اما باستان‌شناسیِ ایران تاکنون نتوانسته سؤال و فرضیه‌ای ایرانی برای خود داشته باشد و وارد لایه‌های جامعه شود. بنابراین حل مشکلات و مُعضلات گریبان‌گیر این رشته، به‌خصوص در اشتغال، نیازمند گام‌های ریشه‌ای‌تر و اساسی‌تری است.

به‌طور کلی این اثر به بررسی انتقادی فرایند شکل‎گیری و تحول رشتۀ باستان‌شناسی در بستر تاریخی ایرانِ معاصر و عمدتاً ناظر بر باستان‌شناسی از بُعد یک رشتۀ دانشگاهی (آکادمیک) و از منظرِ جنبه‌های مهارتی و اشتغال‌آفرینی می‌پردازد. بررسی علل و تاریخچۀ شکل‌گیری رشتۀ باستان‌شناسی در دانشگاه‌های ایران، تحولات برنامه‌های آموزشی، روندهای توسعه و مبانی فکری نظری این رشته و نسبت آن با مسألۀ مهارت و اشتغال دانش‌آموختگان، مباحثی است که براساس خلأهای مطالعاتی موجود، نیاز به بررسی آن‌ها وجود داشته است. این اثر در چهار فصلِ اصلی به بررسی مسائلی از قبیل «دلایل عمدۀ تأسیس و توسعۀ رشتۀ باستان‌شناسی در دانشگاه‌های ایران و رویکردهای اصلی در برنامه‌ریزی‌های آموزشی آن»؛ «شناخت رابطۀ علم و مهارت در برنامۀ آموزشی رشتۀ باستان‌شناسی»؛« وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان این رشته»؛ «ارائه راه‌حل‌هایی برای غلبه به بحران و اشتغال دانش‌آموختگان رشتۀ باستان‌شناسی» پرداخته است. به هر روی در بررسی هر موضوعی نکات مغفولی وجود دارد، که قابل بررسی نیستند، و یا از نظر دور می‌مانند و این اثر نیز خالی از این موارد نیست.

1. . برای اطلاعات بیشتر در‌این‌باره نگاه کنید به: ملاصالحی، حکمت‌الله. (1392). از قلم مورخان تا کلنگ باستان‌شناسان. *مطالعات باستان‌شناسی*، 5 (1) 109ـ126.و همچنین: ملاصالحی، حکمت‌الله. (1396). تأملی معرفت شناختی در مفهوم ماده و معنا در باستان‌شناسی، *مطالعات باستان‌شناسی*، 9 (1ـ پیاپی 15) 233ـ250. [↑](#footnote-ref-1)